
گنجینه گویش‌های ایرانی
(تاتی خلخال)

تألیف
جهاندوست سبزه‌علی‌پور

گویش‌های:
آسیستانی
دیروی
شالی
کجلی
کرتقی
درینی
نلوی
موان
لردی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

نشر آثار / تهران ۱۳۹۴

گنجینه گویش‌های ایرانی (تاتی خلخال)

تألیف: جهان‌دوست سبزعلی‌پور

ویراستار: جمیله حسن‌زاده

چاپ اول: ۱۳۹۴

شماره: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: هدف

قیمت: ۲۵۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۳-۳-۶ ISBN: 978-600-6143-73-6

نشانی: تهران، بزرگراه شهید خانی، بعد از ایستگاه مترو، مجموعه فرهنگستان‌ها، فرهنگستان زبان و ادب فارسی

صندوق پستی: ۶۳۹۴-۱۸۷۵

تلفن: ۸۸۶۴۲۳۳۹-۶۸ (۰۲۱)، ۸۸۶۴۲۵۰-۸۸ (۰۲۱)

وبگاه: www.persianacademy.ir

حق چاپ محفوظ است.

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

یادداشت

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شماره کتاب‌شناسی ملی

سبزعلی‌پور، جهان‌دوست، ۱۳۵-

گنجینه گویش‌های ایرانی (تاتی خلخال)

تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۴.

۴۸۲ ص.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۱۳۸.

978-600-6143-73-6

فیپای مختصر

فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://pac.nlai.ir> قابل دسترسی است

حسن‌زاده، جمیله، ۱۳۳۸-

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

۳۸۳۸۱۹۰

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

مقدمه

پیشگفتار

معرفی مناطق مورد مطالعه

گویشوران این دذخ

جدول واگذاری و کوتاه‌نوشت‌ها

نکات دستوری گویش برای مورد مطالعه

واژه‌نامه موضوعی

اندام‌های بدن انسان در واژه‌های وابسته

ابزارهای کار، وسایل نقلیه، مواد و کانی‌ها

آفت‌ها، بیماری‌ها و واژه‌های وابسته

بستگان، آشنایان، پیشه‌وران و واژه‌های وابسته

مکان‌ها، معماری، مصالح و اجزای ساختمانی

پوشیدنی‌ها، زیورها و وابسته‌های آن‌ها

گیاهان، میوه‌ها و خوراکی‌ها

جانوران، موجودات خیالی و واژه‌های وابسته

عناصر، موقعیت‌های جغرافیایی و پدیده‌های طبیعی

اعداد و واحدهای اندازه‌گیری

مزه‌ها و رنگ‌ها

ضمیرها

خصلت‌های انسانی، رفتارها و واژه‌های وابسته

واژه‌های متضاد

فعل‌های لازم و متعدی

مصدرها

مصدرهای مرکب

جمله‌ها

۳۹۹

نمونه متون

۴۴۳

نمایه فارسی

۴۷۷

منابع و مآخذ

۴۸۱

نقشه منطقه

www.ketab.ir

طرح تدوین گنجینه گویش‌های ایرانی یکی از طرح‌های اصلی گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی است که در سال ۱۳۸۹ به تصویب رسید. این طرح، درواقع، ادامه کاری است که آقای عبدالنبی سلامی از سال ۱۳۸۳ تحت عنوان گنجینه گویش‌شناسی فارس آغاز کرده بود.

در صورتیکه از مجلدات گنجینه گویش‌های ایرانی، حدود ۲۵۰۰ واژه، ۱۰۰ جمله و چند متن کوتاه از گویش‌های ایرانی در اختیار پژوهشگران عرصه زبان‌شناسی ایرانی قرار می‌گیرد، این مواد زبانی، درواقع، موادی خام هستند که می‌توان آن‌ها را از جنبه‌های مختلف ادبی، صرفی، نحوی، واژگانی و معنایی مورد بررسی قرار داد.

گنجینه گویش‌های ایرانی، در پایه پرسش‌نامه‌ای فراهم آمده که در وبگاه فرهنگستان زبان و ادب فارسی به نشانی www.persianacademy.ir در میان فایل‌ها به نام «راهنمای گردآوری گویش‌ها» موجود است. این پرسش‌نامه، الگوی گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی برای گردآوری مواد خام گویش‌های ایرانی است.

گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی امیدوار است که بتواند با همکاری زبان‌شناسان و پژوهشگران، علاوه بر دیگر دفترهای گنجینه گویش‌های ایرانی را به‌زودی منتشر کند و گامی در راستای غنای غنظ گویش‌های ایرانی، یا دست‌کم ثبت آن‌ها برای استفاده آیندگان، بردارد.

حسن رضائی باغبیدی

مدیر گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی

پیشگفتار

این دفتر از مجموعه گنجینه گویش‌های ایرانی که به زبان تاتی خلخال اختصاص دارد، در برگیرنده معرفی مختصر مناطق مورد نظر، کلیات دستور زبان، گنجینه واژگان، مجموع یکصد جمله و نه متن آوانویسی و ترجمه شده از نه گونه از گونه‌های زبان تاتی رایج در شهرستان خلخال است. زبان تاتی خلخال در دو بخش شاهرود و خورش‌رستم رایج است و به علت کوهستانی بودن منطقه و اقلیم خاص آن، همچنان ویژگی‌های زبانی کهن خود را حفظ کرده و در برابر نفوذ سایر زبان‌ها (عالب به‌ویژه ترکی و فارسی) مقاوم مانده است. در این دفتر سعی بر آن بوده است تا نسخه‌های تاتی اصیل که در گنجینه گویش‌های ایرانی مورد نظر است، ثبت شود. برای شناخت زبان تاتی خلخال نخست لازم است کلیاتی از زبان تاتی ذکر شود و سپس ویژگی‌های کلی تاتی خلخال را دربارۀ این دفتر ذکر خواهد شد.

زبان تاتی، پراکندگی و جایگاه آن

در یک طبقه‌بندی گویش‌های تاتی ایران و جهان را می‌توان امروزه به دو دسته تقسیم کرد: الف: تاتی شمالی که گویشوران آن در خارج از ایران در داغستان (دریند)، منتهی‌الیه شمال شرقی جمهوری آذربایجان در قفقاز، در شبه‌جزیره آپسرون، ناکر، موراخانی، بالاخانی، ماشتاغا، بوزونا، امیرخان، داغستان افروجه و دریند آبشوران، زندگی می‌کنند و به چند دسته قابل تقسیم‌اند:

۱- تات‌های مسلمان، ۲- تات‌های کلیمی که خود را «داغ جوودی» (یهودی کوهستانی) می‌نامند و اغلب در داغستان زندگی می‌کنند، ۳- تات‌های مسیحی ارمنستان و شمال شرقی آذربایجان (لُکوک ۱۳۸۳: ۴۸۹).

ب: تاتی جنوبی که در نواحی گوناگون ایران رواج دارد. در حال حاضر تاتی در ایران در مناطق زیر رایج است:

۱- مناطقی در جنوب غرب قزوین شامل گونه‌های تاکستانی، شالی، خیارچی، ابراهیم‌آبادی،

سگزآبادی، دانسفانی، اسفرورینی و خوزنینی (یارشاطر ۱۹۶۹: ۱۷-۱۸).

۲- اشتهازد کرج (همان جا).

۳- خلخال شامل گونه‌های آسکستانی، آسبویی، دروی، گلوری، شالی، دیزی، کَرینی، کَپلی، لردی، گیلوانی، طهارمدشتی در بخش شاهرود و گونه کَجلی و کَرَنَی در بخش خورش‌رستم.

۴- زنجان، در خویین، در شصت کیلومتری جنوب‌غربی استان زنجان و طارم‌علیا، شامل گونه‌های نوکیانی، سیاورودی، هزارودی، جمال‌آبادی و باکلوری، کله‌سری، شاوایی چرزه‌یی (همان: ۱۷).

۵- آذربایجان شرقی شامل هرزند، دیزمار، کرینگان، کلیر، کلاسور^۱ و مناطقی دیگر.

۶- رودبار، لَمون و دِه‌یه. در بخش جیرنده رودبار روستاهای ناش، اسطَلخ کوه، چیچال، لیاؤل علیا، چلواس، فونک، سیستانک، گَرزته‌چاک، کُشکُش، جلال‌ده، لیاؤل سفلی و مرکز بخش، بَره‌سر، به زبان تاتی کلم، مَکنند و در بخش فاراب روستاهای اَنبوه، کَلِیشُم، خُرمکوه، وِیه، ناوَه، لایه، نوَدِه فاراب، پِرنوم نیز به تاتی تکلم می‌کنند.^۲

۷- شمال خراسان، جلگه شوغان، منطقه چها، سنخواست (صفرزاده ۱۳۸۲: ۲۳). گویش این مناطق تاتی نامیده می‌شود ولی با تاتی مناطق دیگر یکی نیست و نمی‌توان آن را تاتی شمرد، مگر آنکه تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام دهیم. باهت‌های آن‌ها اثبات شود.

در برخی دیگر از مناطق ایران مردمانی زندگی می‌کنند که زبان خود را تاتی می‌دانند، اما تنها به گفته مردم نمی‌توان زبانشان را تاتی دانست. برای تحقیقات علمی و استخراج ویژگی‌های زبانی، می‌توان جغرافیای زبانی تاتی را به طور دقیق‌تر رسم و تکمیل کرد. در اینجا ذکر دو مورد زبان تاتی لازم است:

۱- اخیراً دو مقاله از آقای احمد اصغری که یکی در شماره مسلسل ۱۹۸ نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز به نام «فعل در گویش تاتی کلاسور (kalāsūr)»، و دیگری در شماره مسلسل ۲۰۷ همان نشریه به نام «اسم و ضمیر در تاتی کلاسور (kalāsūr)» چاپ شده و به معرفی و توصیف مختصر آن گویش پرداخته است. مقاله اول در ۲۵ صفحه (از ص ۱ تا ۲۵ مجله)، به ساختمان فعل تاتی کلاسور و مقاله دوم در ۲۱ صفحه (از ص ۱ تا ۲۱ مجله)، به مباحث دستوری اسم و ضمیر در آن گویش پرداخته است. در مقدمه هر دو مقاله، اطلاعات مفیدی در ضمن مثال‌ها و شواهد فراوان درباره گویش تاتی و منطقه مورد نظر داده شده است. در مقاله اول نقشه‌ای از منطقه مورد نظر نیز آمده است. نگارنده این سطور بر این دو مقاله، نقد و تکمله‌ای تحت عنوان «پیرامون تاتی کلاسور» در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز نوشته است. نک سبزه‌علیپور ۱۳۹۰.

۲- نک سبزه‌علیپور، زبان تاتی (توصیف گویش تاتی رودبار)، رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۳۸۹ الف.

الف) با توجه به ویژگی‌های باقی‌مانده از گویش آذری و جغرافیای زبانی آن، می‌توان در زبان‌ها و گویش‌های باقی‌مانده در مناطقی که در آن‌ها تاتی، تالشی و نیز گویش‌های مجاور آن‌ها نظیر گیلکی، مازندرانی و سمنانی رایج است، نشانه‌ها و ویژگی‌های مشترک را جمع‌آوری و با همدیگر مقایسه کرد و سرآخر ویژگی‌های زبانی کهن شاخه شمال‌غربی را استخراج کرد.

ب) نام تعدادی از زبان‌ها برگرفته از نام قومی است. مثلاً گیلکی و نیز تالشی نام‌هایی هستند که بر اقوام خاصی اطلاق می‌شوند. سخنگویان گویش اخیر در استان‌های گیلان، اردبیل و نیز جمهوری آذربایجان به‌طور متمرکز در منطقه‌ای خاص سکونت دارند و از همین نکته می‌توان نتیجه گرفت که واژه گیلک و تالش هم نام زبان و هم نام اقوامی است که جایگاه آن‌ها فعلاً مشخص و معلوم است.^۳ ولی تاتی چنین نیست و نمی‌توان آن را به قوم یا اقوام خاصی اطلاق کرد، چرا که تات‌های ایران در منطقه خاصی ساکن نیستند و کلمه تات کمتر برای نامیدن قوم خاصی به کار می‌رود.

معنا و کاربرد واژه تاتی

معنا و ریشه کلمه تات هنوز چندان معلوم نیست. در فرهنگ‌های فارسی قدیم به کلمه تات (به معنای زبان یا قوم) چندان اشاره‌ای نشده است (نک. کارنگ ۱۳۳۴: ۷۳) و در این زمینه نظریاتی ارائه شده است که چندان قانع کننده نیست. در ایند منبع از تات سخن رفته است. یکی از آن‌ها کتیبه اورخون (نوشته شده قرن ۸ م / ۲ هـ) است و دیگری دیوان لغات‌الترک محمود کاشغری است که در بیتی^۳ به تات به معنی ایرانی و غارتگر اشاره می‌کند. مولانا جلال‌الدین رومی در بیتی^۴ تات را به معنای ایرانی آورده است. در منابع فارسی، گویا بار نخست در کتاب طبقات ناصری، تألیف منه‌اج‌الدین سراج که در سال ۵۷-۶۵۸ هـ ق نوشته شده است به واژه تات اشاره شده، و محمدتقی بهار (۱۳۷۳: ۵۰) آن کلمه را در آن کتاب برابر با تازیک و تاجیک به معنی فارسی‌زبان دانسته است. آرانسکی (۱۳۷۸: ۳۱۶) معتقد است که ظاهراً کلمه تات بر نژاد و قبیله‌ای اطلاق نمی‌شده است و قبایل صحرائشین (که اکثراً ترک

۳- تات سیز ترک بلماس / باش سیز ترک بلماس (یعنی ترک بلون ایرانی و کلاه بلون سر نمی‌شود) (کارنگ همان جا).

۴- اگر تات ساک و گر روم ساک و گر ترک / زبان بی‌زبانان را بیاموز (پورمحمدی املشی ۱۳۸۳: ۱۶۲).

بودند) مردم زراعت‌پیشه و تخته‌قاپو و ایرانی‌زبان قفقاز را که در تحت انقیاد خود درآورده بودند، به این نام می‌خوانده‌اند. آرانسکی در پاورقی از و. ایوانف نقل می‌کند که کلمه تات در همه جای ایران به «ایرانیان» اطلاق می‌شود، در مواردی که بخواهند ایشان را از کردان و ترکان و عربان مشخص سازند. پورمحمدی املشی در مقاله «بررسی تاریخی معنا و کاربرد واژه تات» بعد از ذکر نظریات مختلف به این نتیجه رسیده است که «تات واژه‌ای ترکی است که در آغاز ترکان آن را به معنی «خارجی‌ها در کشور» در مورد مردم غیرترک به کار بردند. سپس با حرکت ترکان به سوی عرب، به ایرانیانی گفته شد که زیر سلطه ترکان بودند. در دوره صفویه به تمام مردم ایرانی‌الاصل، در مقابل قزلباشان ترک، تات گفته شد. اما پس از دوره صفویه، بقایا و ماندگارهای نیربان‌ها - شمال غربی ایران را تاتی نامیدند و مردمی را که بدان زبان صحبت می‌کردند نیز تات خواندند» (پورمحمدی املشی ۱۳۸۳: ۱۷۱).

زبان آذری

به استناد منابع مختلف تاریخی، پس از راج تاتن ترکی در آذربایجان، زبانی ایرانی در آن منطقه رواج داشت که به آذری معروف شد. امروزه هم در زبان ترکی آذری رایج در ایران نشانه‌هایی از آن زبان قدیمی پیداست. در عصر حاضر زبان در نقاطی از آذربایجان رواج دارد و هرزنی و تاتی نمونه‌هایی از آن‌ها هستند. گرجستان و کوشوران این زبان‌ها در مناطق مختلف آذربایجان کم شده است، اما به هر حال مناطقی هستند که هنوز به طور کامل تات هستند.

سخن گفتن به آذری در آذربایجان در طی نخستین قرون اسلامی و همچنین ایرانی بودن آن در مآخذ معتبر تصریح شده است. آذری همچنین با زبان ری، همدان و اصفهان از یک دست بوده و تا قرن هفتم و هشتم و به احتمال قوی تا مدتی پس از آن نیز زبان غالب آذربایجان بوده است (یارشاطر ۱۳۷۱: ۳۹۱-۳۹۳). از زبان قدیم آذربایجان جز رساله روحی انارجانی، بعضی فہلویات و تعدادی واژه پراکنده و از گویش‌های مناطقی چون اران، باکو، شروان (در جمهوری آذربایجان) و تبریز چیزی برجای نمانده است (نک صادقی ۱۳۸۱: ۲۲). زبان تاتی باقی‌مانده در مناطقی از آذربایجان و سایر نقاط، ارتباط و خویشاوندی نزدیکی با زبان قدیم آذربایجان دارد. این گویش‌ها چنان به هم وابسته و نزدیک‌اند که ملازم یکدیگرند و ذکر یکی،

دیگری را به یاد می‌آورد و نمی‌توان آن‌ها را جدا از هم بررسی کرد.

مجموعه اسناد، متون و مدارک تاریخی مربوط به این زبان را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد: الف) اشعاری از شعرای آذری‌زبان که در منابع مختلف آمده از جمله: اشعار شیخ صفی‌الدین اردبیلی، فهلویات شمس‌الدین محمد مغربی تبریزی، فهلویات کشفی تبریزی، اشعار حکیم نبائی، رساله روحی انارجانی و...؛ ب) بقایای همین زبان‌ها در مناطق مختلف در عصر حاضر؛ ج) باقی ماندن ویژگی‌های زبانی آذری در میان زبان فعلی آذربایجان که به نام ترکی آذری معروف است. در مجموعه «زبان فارسی در آذربایجان» از انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار که در دو جلد منتشر شده است، بسیاری از این شواهد و مقالات مربوط به آن آمده است.

بسیاری از زبان‌شناسا معتقدند که زبان تاتی همان زبان آذری است. مثلاً پیر لکوک در این زمینه چنین می‌نویسد: «گویش‌های آذری را (که در محل به تاتی موسوم هستند)، می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد:

الف) گویش‌های شمال‌غربی رایج در هرزند، دیزمار، هرزنی/هرزندی و کرینگانی؛

ب) گویش‌های شمال‌شرقی در خلخال و طارم شال، کجلی، هزارودی و غیره؛

ج) گویش‌های جنوبی رایج در جنوب قزوین: تالستانی، حالی سگزآبادی، اشتهرادی و غیره؛

د) گویش‌های جنوب‌غربی رایج در جنوب‌غرب زنجان: نئو، - و غیره؛

ه) گویش‌های جنوب‌شرقی رایج در شمال‌شرق قزوین: رودبار، تاتی و آیره» (ص ۴۹۰-۴۹۱).

شناخت زبان آذری و تالشی به شناخت دقیق زبان تاتی، کمک بسیار می‌کند و گاه نمی‌توان بدون شناخت آن دو، حرفی از تاتی به میان آورد و به همین خاطر افرادی که در این زمینه تحقیق کرده‌اند، به تالشی نیز در کنار تاتی اشاره کرده‌اند (تک استیلو ۹۸، ۱۳۸۰).

«تردید نیست که زبان آذری جز دنباله زبان مادی نمی‌توانسته باشد، چه آذربایجان و جبال آن منطقه مسکن قوم ماد بوده و هیچ دلیل تاریخی وجود ندارد که پیش از غلبه ترکی زبان دیگری جانشین زبان مادی در آذربایجان شده باشد. جز آنکه می‌توان تصور کرد که زبان اشکانی و سپس فارسی به نوبت در مراکز عمده آذربایجان تاحدی رواج گرفته و برخی اثرها در آذری به جای گذاشته باشد، اما چون از زبان مادی اثری در درست نیست و از آن جز برخی اصطلاحات و اسامی و کلمات پراکنده عمدتاً در کتیبه‌های هخامنشی، به جای نمانده است، تشخیص دقیق

آذری و خصوصیات آن تنها از مطالعه آثار آذری به جای مانده در دوره اسلامی و همچنین بقایای آذری در آذربایجان کنونی میسر است» (یارشاطر ۱۳۷۱: ۳۹۴).

با توجه به جایگاه آذری در بین زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، که یک گویش از گویش‌های شمال غربی بوده، می‌توان ردپای آن را در گویش‌های همین ناحیه دنبال کرد. گویش‌هایی که از مشرق آذربایجان و در کناره‌های دریای خزر شروع شده و به ترتیب تالشی، گیلکی و مازندرانی (طبری) را دربر گرفته و فراتر از آن در رشته‌کوه‌های البرز در حوالی سمنان (هنینگ ۱۳۸۵: ۱۱۲ و ۱۹۵۴: ۱۵۷) و نیز در نواحی مختلف آذربایجان نظیر مناطق زیر رواج دارد:

درین‌گن، کلاسور و خوینه‌رود از دهات بخش کلپیر شهرستان اهر، گلین‌قیه از دهات هرزند در اطراف مرند، طارده علی‌عمدتاً در دهات نوکیان، سیاه‌رود، کلاسور، هزاررود، جمال‌آباد، باکلور، چرزه و جیش‌آباد، مناطق تات‌زبان اطراف رامند در جنوب و جنوب‌غربی قزوین مانند تاکستان، شال، اسفرورین، خیارچ‌خوین، دسلفان، ابراهیم‌آباد و سگزآباد (یارشاطر: ۱۹۶۹).

نمونه‌هایی از مواد زبانی به جای مانده آذری را می‌توان در آثار زیر یافت:

مواد جمع‌آوری شده پژوهش‌های منند: بدالعلی کارنگ (۱۳۳۴ و ۱۳۳۵)، منوچهر مرتضوی (۱۳۴۲ و ۱۳۸۴)، یحیی ذکاء (۱۳۳۲ و ۱۳۳۶) و احمد اصغری (۱۳۸۵)؛ اصطلاحات و واژه‌های به جای مانده از آذری که هنوز در بین مردم آذربایجان رایج است و تعداد بسیاری از آن‌ها جمع‌آوری شده است (ماهیار نوایی، ۱۳۳۲)؛ جای نام‌های فعلی آذربایجان که بسیاری از آن‌ها به زبان قدیم آذربایجان‌اند؛ دوبیتی‌ها یا فهلویات شیخ حسن‌الدین اردبیلی؛ تعدادی واژه پراکنده از گویش‌های مناطقی چون اران، باکو، شروان (در جمهوری آذربایجان) و تبریز (نک صادقی، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲)؛ رضایتی کیشه‌خاله (۱۳۸۴) فهلویات شیخ حسن‌الدین را بر مبنای گویش تالشی سنجیده است؛ آثار اندکی به خط عبری از یهودیان تات‌زبان که در گذشته در داغستان زندگی می‌کردند و امثال و حکم موجود در زبان ترکی آذری (زبان فعلی آذربایجان)، از آنجا که امثال و حکم عبارت‌گونه و گاه موزون‌اند، بسیار محافظه‌کارند و واژه‌های قدیمی بسیاری را در خود جای داده‌اند.

نکاتی درباره این دفتر

این دفتر از نه گونه تاتی فراهم شده است. هریک از گونه‌های تاتی خلخال با هم کم‌وبیش

اختلافاتی دارند. آنچه بیش از همه قابل توجه است، این است که همه این گونه‌های زبانی در محدوده یک شهرستان واقع‌اند و هر دو بخش شاهرود و خورش‌رستم از یک طرف به هم متصل‌اند. اگرچه به دلیل کوهستانی بودن مسیر مشترک و محل اتصال آن‌ها، کمتر با هم مراوده دارند. اما روستای کرنق، از روستاهای بخش خورش‌رستم، که در منتهی‌الیه آن واقع است، ارتباطش با شاهرود است نه با خورش‌رستم.

دو ویژگی مهم آوایی در این مجموعه خودنمایی می‌کند. یکی از این ویژگی‌ها وجود واج /ʒ/ و دیگری /ʎ/ است که در گونه‌هایی وجود دارد و در گونه‌هایی وجود ندارد. اختلاف این گونه‌ها با هم از نظر رازگانی و ساخت‌وازی، بیش از بخش‌های دیگر زبان است. به عنوان نمونه، گذشته استمراری اسکستانی وند a- در آغاز دارد (a-vâj-imân می‌گفتیم)، در حالی که گونه‌های دیگر کمتر چنین هستند. علامت‌گذاری وند مصدری تاتی خلخال چهار شکل متفاوت دارد: -en, -e, -i, -an. ساخت فعل‌های گذشته مصدری با فعل‌های گذشته لازم و حال تفاوت دارد و در همه گونه‌های مورد مطالعه ساختار گتیه وجود دارد. وند استمرار m(v) در تاتی کجلی (مانند: mō-höt-im می‌خواهیدم و mândard-ir می‌استند) در کل منطقه خلخال ویژگی زبانی خاصی است که منحصر به کجلی است، ولی نمونه‌هایش در تاتی اطراف قزوین و تاکستان بسیار زیاد است.

زبان ترکی در بخش واژگان زبان تاتی تأثیر گذاشته است. مدت‌هاست تات‌زبانان خلخال و نقاط دیگر با ترک‌زبانان در ارتباط هستند و این مراوده که به سرد زبان تاتی بوده است چون از نظر جمعیت کمتر از بقیه هستند و گویشوران آن در جایی غیر از مرکز شهرستان زندگی می‌کنند. به این ترتیب لغات ترکی زیادی وارد زبان تاتی شده است و لغات تاتی فراوانی در ترکی مناطق اطراف وجود دارد. ولی گویا این مقدار لغات تاتی موجود در ترکی خلخال از گذشته مانده، ولی لغات ترکی موجود در تاتی محصول ارتباط در دهه‌های اخیر است.

زبان تالشی زبان دیگری است که بر تاتی تأثیر بسزایی داشته است. این تأثیر در مناطق مختلف فرق می‌کند. مثلاً در گونه اسکستانی و اسبویی بیش از سایر گونه‌ها این امر قابل ملاحظه است؛^۵ به قدری که این فرضیه را تقویت می‌کند که دو گونه اسکستانی و اسبویی را

۵- برای شرح بیشتر این نکته نک مقاله «نشانه‌های تالشی در مناطق تات‌زبان خلخال» (سبزعلیپور، ۱۳۸۹ب).

باید تالشی دانست نه تاتی. ضمناً می‌توان نفوذ تاتی در مناطق ماسال و شاندرمن را ردیابی کرد که خود جای تحقیقی جداگانه است.

زبان گیلکی از دیگر زبان‌هایی است که با یک واسطه می‌توان تأثیر آن را بر تاتی خلخال بررسی کرد. مردانی که برای کار در شالیزارها، راهی گیلان می‌شدند، بعد از حشر و نشر با مردم گیلک‌زبان به خلخال برمی‌گشتند و این نشانه‌ها و یا رسوبات زبانی در زبان مادری آن‌ها نیز باقی می‌ماند. این تداخل زبانی در سطح واژگان بسیار قابل پی‌گیری است.

در رد شیوه کار لازم به توضیح است که در جمع‌آوری واژه‌ها سعی شده است از چندین گویشور سوال شود و بعد از یقین نسبی از وجود آن لغت در آن زبان و اطمینان از شکل صحیح تلفظ آن، ثبت شود. رآنه متن آوانوشت سعی شده است به گونه‌ای عمل شود که گویشور به‌طور طبیعی سبک نگارش را به کار گیرد. محققینی که خواستار پژوهش بیشتر هستند، از آن استفاده کنند. ذکر معنی جملات تلاش به آن بوده است که معنای لفظی واژه‌ها حفظ شود، اگرچه ظاهراً گاهی معنای آن‌ها پریشان به نظر می‌رسد. در گفتگوهای تاتی که ضمیمه این کتاب است، صدا یا جملات کسانی که در حاشیه بحث بوده‌اند آهسته آهسته درج شده است.

در زبان تاتی همزه در آغاز کلمات ظاهر نمی‌شود، اگر هم ظاهر شود، نقش واجی ندارد، بلکه فقط تظاهری آوایی است. بدین سبب در آوانویسی این مجموعه، از ذکر همزه در آغاز کلمات خودداری شده، مثلاً «اسب» به شکل «asb» آوانویس شده است.

ساخت‌های فعلی در زبان تاتی خلخال بسیار زیاد است. نگاشته شده در دو تحقیق قبلی خود «ساخت فعل در زبان تاتی خلخال» و نیز «بررسی تطبیقی ساخت فعل در تاتی خلخال، تالشی و گیلکی» به این بحث پرداخته است. مثلاً در تاتی دیروی چهار نوع گذشته نقلی و دو نوع گذشته التزامی وجود دارد. چون در بعضی از گونه‌های تاتی، فعل‌های سوم شخص مفرد دو شکل (مؤنث و مذکر) دارند، سعی شده است شکل مؤنث هم در کنار مذکر قید شود، اما به دلیل کمبود جا در جدول، در برخی جاها فقط پی‌بست مؤنث در کنار مذکر نوشته شده است، مثلاً *nəšta/ya* (نشسته است) به این معنی است که مؤنث این فعل *nəštayā* است. در جاهایی که هر دو شکل قید شده، شکل اول مذکر است.

در چنین مجموعه‌هایی بهتر است وندهای کلمات با نشان خاصی از هم جدا شوند، اما در این مجموعه که جدول‌ها برای نوشتن واژه‌های نه گونه فشرده بودند، این نیت حاصل نشده

است و فقط برای نمونه در یکی دو گونه، بخش‌های مختلف فعل با علامت خاصی از هم جدا شده است.

با توجه به اینکه در طول زمان تغییرات زیادی در روستاها روی می‌دهد، اعداد و ارقام ارائه شده در منابع برای آیندگان چندان قابل قبول نخواهد بود. مثلاً شاید عده‌ای باور نکنند که یک روستا روزی ۶۰۰ خانوار جمعیت داشته باشد و نقطه آن را زاید دانسته، آن را ۶۰ بخوانند. در چنین جاهایی برای جلوگیری از اشتباه، رقم مورد نظر هم عددی و هم به حروف نوشته شده است.

این کار، نجات نمی‌شد مگر با تلاش و کمک فراوان گویشورانی که خود را برای همیشه وام‌دار آن‌ها می‌دانم. آن‌ها بودند که با داشتن مشغله‌های فراوان زندگی پیگیری‌های مرا تحمل کردند و اجازه دادند در جانشان باشم و این تحقیق را به پایان برسانم. از تک‌تک گویشوران و مردم مناطقی که زبانسان را ایر دفتر بررسی شده، به‌ویژه از کسانی که نامشان در بخش «گویشوران این دفتر» ذکر شده است، شکر و قدردانی می‌کنم.

سپاس ویژه دارم از استادام جناب آقای دکتر حسن رضائی باغبیدی که دغدغه چنین تحقیقی را در من ایجاد کردند و مرا وسوسه کردند تا این دنجینه را فراهم کنم. همچنین از بزرگان فرهیخته فرهنگستان، به‌ویژه استادان محترم، جناب آقایان دکتر علی‌اشرف صادقی، دکتر محمد دبیرمقدم و دکتر محمدرضا نصیری و سرکار خانم جمیله حسن‌زاده صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم که امکان چنین پژوهشی را ایجاد کردند و مرا از حمایت‌های بی‌دریغشان بهره‌مند ساختند.